



# مجله موسیقی

بهمن و اسفندماه ۱۳۵۰

شماره ۱۳۴ دوره سوم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

نوشته حسینعلی ملاح

موسیقی اصیل و موسیقی سنتی

پیش از ورود در هر گونه بحثی ضروری است درباره دو کلمه: **اصیل**  
و **سنت** به اجمال به بررسی بنشینیم.  
\*\* **اصل** در لغت بمعنای: گوهر - سرشت - بیخ - بنیاد - پایه و  
اساس و مانند اینهاست.

نخست اندیشه کن آنگاه گفتار که نا محکم بود ، بی اصل دیوار  
صورت مصدری این لفظ یعنی ؛ **اصالت**، نیز در معانی: بنیاد گرفتن  
پایه و اساس و شالوده و سرشت یافتن است - اهل فلسفه برای کلمه اصالت  
تعابیر ویژه‌ای دارند که از آنجمله است :

اصالت تجربه Empirism - اصالت تصور Idealism -

اصالت تعقل Rationalism - اصالت عمل Pragmatism

اصالت ماده Materialism و اصالت وسیله Instrumentalism که در  
هر مورد از این موارد، اصل، پدیده سازنده‌ایست که به اتکاء آن کسب معرفت  
جهان میسر می‌گردد .

**\*\* سنت** در لغت بمعنای : روش - طریقه - شیوه - رسم - آئین و  
قانون و مانند اینهاست .

ورعادت بدنهی تو دانی

اینست جزای سنت نیک

(سعدی)

هر که او بنهاد ناخوش سنتی سوی او نفرین رود هر ساعتی  
در مذهب اسلام به طایفه‌ای که متکی به قول و فعل و تقریر پیامبر اسلام  
در امور شرعی (نه در امور عادی) هستند، «سنی» یا «اهل سنت و جماعت»  
گویند ...

همچنین سنت را عملی میدانند که مطابق با عمل «صاحب شرع» باشد  
(خلاف آن را بدعت خوانند) - دانشمندان معارف اسلامی ، عمل صحابه  
پیامبر را نیز سنت می‌نامند، خواه این عمل در قرآن و سنت نبوی موجود باشد  
و خواه نباشد - مانند حد شارب و غیره که هشتمین ضربه تازیانه است از سنت  
صحابه است.

معنی دیگر سنت نزد اهل شریعت «Nafli» است و آن به عملی  
اطلاق میشود که **انجام آن ثواب دارد اما ترك آن موجب عقاب  
نیست** .

\*\*\*

بنابه تعاریف یادشده : **اصل**، حکم پی‌ها و ستونهای يك کاخ را دارد و  
**سنت** بمنزله دیوارها و تزیینات برونی و درونی آن کاخ است.

برین تقدیر وقتی می‌گوئیم : **موسیقی اصیل**، می‌بایست اندیشه‌ها  
بسوئی رهنمون شویم که افادت معنای اصل یا اصیل از آن بشود - هر لحنی

که ابداع میشود (تحت هر آئین و طریقه‌ای که باشد) متکی به یک سیستم تسلسل اصوات است که اهل فن بدان: خسروانی، مقام، دستگاه یا مد Mode می‌گویند. این اصوات که سازنده واحدهای موسیقی و بالنتیجه بوجود آورنده آهنگها یا الحان موسیقی هستند، سابقه تاریخی بسیار کهنی دارند و شاید بتوان گفت که نخستین آموزگار آنها به بشر، طبیعت بوده است.

وقتی به «راگهای» هندیان، که مربوط به چندین هزار سال پیش از میلاد مسیح است، می‌نگریم این تسلسل طبیعی اصوات را مشاهده می‌کنیم. همچنین وقتی به سرودهای زرتشت از نظر اصوات سازنده مقام‌های آن گوش فرا میداریم باز هم این تسلسل طبیعی اصوات را احساس می‌کنیم.

اینجاست که ناگزیریم بگوئیم: عوامل یا پدیده‌هایی که در موسیقی، اصل و اساس و پایه آهنگها بشمار می‌آیند، پرده‌های سازنده مقام‌ها یا دستگاهها یا مدهای موسیقی هستند. بنابراین آنچه که بر بنیاد این واحدهای اصیل آفریده میشود (خواه منطبق با آئین و رسم و سنت متداول باشد یا نباشد) میتواند **موسیقی اصیل** نام بگیرد.

\*\*\* و اما از آنچه که در معنای سنت گفته شد، چنین بهره گرفته میشود که: سنت در موسیقی آئین و قاعده و قانون و روش و رسمی است که اهل فن آنها را بکار بسته و با تعلیم به دیگران به دوام و بقای آنها یاری کرده‌اند. این آئین‌ها و سنت‌ها در ابتدای آفرینش حکم **بدعت** را داشته و شاید هم پسند خاطر برخی خوگران به شیوه قدیمی تر نبوده است، ولی رفته رفته بر دلها نشسته و بمنزله آئینی مستحسن، توسط صاحبان فن حفظ و حراست شده است. مفاهیم دو لفظ: اصالت و سنت - بی شباهت به معانی و مفاهیم دو کلمه:

فرهنگ *L'Education Publique* و تمدن *Civilisation* نیست - میدانیم که فرهنگ پدیده‌ایست اصیل که گذشت روزگاران بر آن چیزی می‌افزاید، اما دگرگونش نمی‌سازد - و همچنین میدانیم که تمدن پدیده‌ایست متغیر و متکی به سنت تکنیک زمان، فی‌المثل مشاهده می‌کنیم که با اختراع صنعت برق، سنت استفاده از وسایل روشنائی دگرگون گردید و پیداست در عصر و زمانه‌ای که استفاده از برق عمومیت یافته است، اگر در بند سنت استفاده از روشنائی پیه‌سوز و شمع و چراغ نفتی باشیم، عمل ما نه تنها ناپسند جلوه می‌کند بلکه این کار بزعم بسیاری از مردم «ارتجاعی» بنظر خواهد آمد.

در مورد موسیقی سنتی نیز این حکم معتبر و جاریست - با اندک پژوهش

میتوان دید که سنت شکنی امری عادی برای غربیان بوده است: گیوم دو فقه (از مکتب فلاماند)، زارلینو (ایتالیائی در قرن شانزدهم میلادی)، پالسترینا (ایتالیائی در قرن شانزدهم م.)، مونتوردی (ایتالیائی در قرن هفدهم م.)، لولی (مقیم فرانسه در قرن هفدهم م.)، پرسل (انگلیسی در قرن هفدهم م.)، تارتینی و پاگانینی (ایتالیائی)، یوهان سباستیان باخ، موزار، بهوون، چایکوفسکی، گروه پنچ نفری، دبوسی، هابا، ارف و شوستاکویچ... و دهها موسیقی دان دیگر از کسانی هستند که در حیات خود برخی از سنت های متداول عصر و زمان خویش را دگرگون کرده و شیوه و آئین نوی ارائه داده اند که بعدها بدعت های آنان حکم سنت را پیدا کرده است.

در ایران نیز این سنت شکنی و بدعت امری عادی بوده است، منتها بسبب عدم دسترسی به مدارك مصوت (مانند: صفحه گرامافن یا نوار ضبط صوت) و یا آثار بالقوه (مانند نوت موسیقی) نمیتوانیم در این باب بطور قطع و یقین سخن بگوئیم. فقط در رساله های موسیقی دانان معتبر اعراب گوناگون است که بر شیوه پیشینیان مطالب باطرق تازه ای افزوده اند.

حاجت به دورنگری نیست - در همین نیم قرن اخیر ما خود شاهد دگرگونی های آشکاری در سنت های: تک نوازی، آهنگ سازی، خوانندگی، و گروه نوازی بوده ایم.

بنابراین تکیه بر سنت و پافشاری در حفظ آئین آن (به نحوی تعصب آمیز) نه تنها هم آهنگ با جنبش انقلابی و رشد اقتصادی و صنعتی و از همه بالاتر منطبق با نیاز جامعه پر تحرک کشور ما نیست، بلکه بی پرده و دور از هر گونه تعصب و جانبداری باید گفت: «کمی هم جنبه ارتجاعی دارد». اصولاً سنت پرستی در هنر (باز هم تکرار می کنم: بنحوی تعصب آمیز) عاملی است ترمز کننده و مانع پیشرفت.

اما این بدان معنی نیست که آئین ها و شیوه ها و روش ها و سنت های متداول را که با روح و احساس مردم سرزمین ما آمیخته است، یکباره نادیده انگاریم و مکتب جدیدی که با عادات و زبان و لهجه و احساس ملت ما هم آهنگ نیست، جایگزین آن سازیم... همانطور که در هر بدعتی چاشنی شیوه های گذشته به مذاق می آید، در امر سنت شکنی نیز می باید این روش معقول رعایت گردد. آنکس توان گام نهادن در این راه پر نشیب و فراز را خواهد داشت و سرانجام نیز به مقصود خواهد رسید که خود آگاه از شیوه های پسندیده کهن باشد و با آگاهی تمام دست به ابداع شیوه ای نوبزند.